

امروز یکشنبه 18 دی 14 صفر 8 ژانویه

خلع ابراهیم بن ولید از خلافت در سال 127 هجری قمری

**خلع ابراهیم بن ولید از خلافت در سال 127 هجری قمری**

ابراهیم بن ولید، پس از درگذشت برادرش یزید بن ولید در ذی‌حجه سال 126 قمری، بنا به سفارش برادرش، به خلافت رسید.

در آن هنگام میان پسرعموهای بنی‌امیه از تیره مروانیان بر سر تصاحب کرسی خلافت، رقابت و دشمنی سختی بود.

هر کدام از آنان که از توانایی و توانمندی بیشتری برخوردار بود، خود را برای تصاحب کرسی خلافت شایسته‌تر می‌دید و همین امر، موجب شورش و درگیری‌های نظامی میان آنان می‌گردید.

ابراهیم بن ولید که ولی‌عهد برادرش یزید بن ولید بود و پس از او به خلافت رسید، رقیبان سختی چون مروان بن محمد داشت. به همین جهت خلافت وی از آغاز، از استحکام و اطمینان کاملی برخوردار نبود. مردم شام، وی را گاهی به خلافت و گاهی به امارت سلام می‌دادند.

مروان بن محمد، معروف به مروان حمار و مروان جعدی که در عصر خلافت یزید بن ولید شورش کرده و به سوی شام هجوم آورده بود، با یزید مصالحه کرد که حکومت تمام سرزمین‌هایی که عبدالملک بن مروان، به پدرش محمد بن مروان سپرده بود، به او بسپارد.

یزید نیز سرزمین‌های جزیره (مناطق میان دجله و فرات)، ارمنستان، موصل و آذربایجان را به مروان سپرد.

مروان حمار که از قدرت بالایی برخوردار بود، پس از درگذشت یزید، خلافت برادرش ابراهیم را به رسمیت نشناخت و برای سرنگونی وی از ارمنستان به سوی شام لشکرکشی کرد.

سلیمان بن هشام از سوی ابراهیم بن ولید با یکصد و بیست هزار سپاهی به نبرد با مروان حمار پرداخت و مروان تنها هشتاد هزار نیروی جنگی داشت. میان دو طرف، جنگ سختی درگرفت. ولی سپاه مروان بر سپاه سلیمان بن هشام پیروز شد و تعداد هفده هزار تن از آنان را کشته و به همین مقدار اسیر گرفتند. باقیمانده سپاه سلیمان بن هشام به سوی حران، مقر خلافت ابراهیم بن ولید عقب‌نشینی کردند.

سپاهیان مروان حمار بر تمامی شهرها و مناطق اسلامی تسلط پیدا کرده و بر آن‌ها، عاملانی از خود به حکومت گماشتند.

مروان حمار، پیروزمندانه وارد دمشق شد و از مردم این شهر برای خویش بیعت گرفت و ابراهیم بن ولید را پس از گذشت سه ماه از خلافتش، خلع کرد. سپس به حران رفت و ابراهیم بن ولید و سلیمان بن هشام که در حران بودند، از او امان خواستند. مروان به آنان امان داد و آن دو با مروان حمار بیعت کردند.

بدین ترتیب مروان بن محمد به عنوان آخرین خلیفه امویان، بر خلافت دست یافت و رقیب خود را از کار بر کنار کرد.

ابراهیم بن ولید پس از واگذاری امر خلافت به مروان حمار، در شام زندگی می‌کرد. تا این که در سال 132 قمری با شکست مروان حمار در برابر جنبش عباسیان و سقوط شهر دمشق، وی به همراه بسیاری از امویان به دست انقلابیون عباسی کشته شد و پرونده خلافت امویان بسته گردید.

جنگ « مروان ثانی» ملقب به مروان حمار با ابومسلم خراسان سردار ایرانی در سال 127 هجری قمری

« مروان ثانی» ملقب به مروان حمار در سال 127 هجری قمری در آخرین سال حکومت خود با ابومسلم خراسان سردار ایرانی عهد عباسیان به جنگ برخاست. مروان حماریس از شکست به مصر گریخت اما در این سرزمین بدست یکی از طرفداران بنی عباس به قتل رسید.

درگذشت « ابن شداد» فقیه، قاضی و تاریخ نگار شیعی در سال 362 هجری قمری

« ابن شداد» فقیه، قاضی و تاریخ نگار شیعی در سال 362 هجری قمری درگذشت. او ابتدا در علوم قرآنی دانش اندوخت و بعد از سالها شاگردی در حدیث و تفسیر استادی برجسته شد. ابن شداد مدتی در مدرسه نظامیه بغداد تدریس کرد سپس به حج رفت و هنگام بازگشت در شام مورد توجه صلاح الدین ایوبی قرار گرفت و به درخواست او کتابی درباره جهاد و آداب احکام آن نوشت. از آثار ارزشمند وی کتاب «التوادر السلطانیة» را می توان نام برد که منبعی مهم درباره شرح و حال و جنگهای صلاح الدین ایوبی است.

ولادت فیض کاشانی در سال 1007 قمری

ولادت و نسب:

محمد مشهور به ملا محسن و ملقب به فیض در چهاردهم ماه صفر سال 1007 هجری قمری در یکی از معروف ترین خاندان علم، عرفان و ادب، که سابقه درخشان آنان به حدود چهار قرن می رسد در کاشان به دنیا آمد.

پدرش رضی الدین شاه مرتضی فقیه، متکلم، مفسر و ادیب در کاشان حوزه تدریس داشته و از شاگردان ملا فتح الله کاشانی و ضیاء الدین محمد رازی بوده است.

مادر او بانویی عالم و شاعر، دختر ضیاء العرفا رازی (از علمان بزرگ شهر ری) بوده است. جد فیض تاج الدین شاه محمود فرزند ملا علی کاشانی، عالم و عارفی شاعر از ناموران زمان خویش در کاشان بوده و در آنجا مدفون است.

دوران کودکی و تحصیلات:

ملا محسن چهارمین فرزند شاه مرتضی در دو سالگی پدر خود را از دست داد. از آن پس دایمی و عمویش تعلیم و تربیت او و دیگر برادرانش را به عهده گرفتند و چون فیض از برادران خود با هوش تر بود مقدمات علوم دینی و بخشهایی از آن را تا سن بلوغ در کاشان نزد عمو و دایمی اش نور الدین محمد مشهور به حکیم و آخوند نورا فرا گرفت.

بیست ساله بود که با برادر بزرگش عبدالغفور برای ادامه تحصیل به اصفهان که در آن روزگار پایتخت کشور و مرکز تجمع علمای بزرگ و استادی ماهر در رشته های مختلف علوم اسلامی بود، رهسپار گردید و از این موقعیت مناسب که در هیچ یک از شهرهای ایران و دیگر ممالک اسلامی یافت نمی شد بیشترین بهره ها و استفاده های علمی را برد.

مشهورترین استادان و ناموران اجازه اجتهاد و نقل روایت فیض در اصفهان، ملا محمد تقی مجلسی، شیخ بهایی، در علوم فقه و حدیث و تفسیر و میرداماد، میر فندرسکی و ملاصدرا در فلسفه، عرفان و کلام بوده اند.

پس از آن ملا محسن با شنیدن خبر ورود سید ماجد بحرانی به شیراز، از اصفهان به آنجا رفت و مدت دو سال نزد ایشان به تکمیل علم حدیث و روایت پرداخت و از او نیز اجازه نقل روایت گرفت و به اصفهان بازگشت و بار دیگر در حلقه درس و بحث شیخ بهایی حاضر شد و استفاده های شایان برد.

در این سالها که فیض از تقلید مستغنی و برای حج مستطیع شده بود عازم بیت الله الحرام گردید و در آنجا به ملاقات شیخ محمد

فرزند حسن فرزند زین الدین عاملی رفت و از آن بزرگوار پس از استفاده های علمی، اجازه روایت و نقل حدیث دریافت کرد.

او پس از مراجعت از مکه به شهرهای دیگر ایران مسافرت کرد و از دانشمندان آن شهرها بهره برد تازمانی که ملاصدرا از شیراز به قم مهاجرت کرد و در کهک قم اقامت گزید. در میان موقعیت که ملا صدرا ریاضت و علم باطنی را شروع کرده بود ملا محسن و ملا عبدالرزاق لاهیجی به سویش شتافته، مدت هشت سال مونس تنهایی او بودند و در مصاحبتهای شبانه روزی با استاد استفاده کامل معنوی می بردند.

در این دوران ملاصدرا دو دختر فاضل و عالم خود را به دو شاگردش ملامحسن و ملاعبدالرزاق تزویج کرد و آن دو شاگرد و داماد را به "فیض" و "فیاض" لقب داد. در همین زمان از سوی حاکم شیراز از ملاصدرا تقاضای مراجعت به شیراز شد. او این دعوت را پذیرفت. فیض نیز به همراه استاد و پدر همسرش به شیراز رفت و نزدیک به دو سال در آنجا ماند. بعد از این مدت او به کاشان بازگشت و به امر تدریس، تعلیم، تبلیغ و ترویج و تالیف و تصنیف مشغول گردید و گاه در قمصر و کاشان با جمعی از دوستان نماز جمعه اقامه نمود.

شاگردان معروف فیض:

ملا محسن شاگردان فراوانی داشت. آنان علاوه بر استفاده های علمی و معنوی از او به کسب اجازه های اجتهاد و نقل حدیث نیز مفتخر گردیده بودند معروفترین شاگردان ایشان عبارتند از:

1- محمد مشهور به علم الهدی

فرزند فیض که از دوران کودکی تا پایان عمر نزد پدر حضور داشته و در تالیف و تصنیف کتاب و رساله ها با او همکاری می کرده است. علم الهدی از پدر چندین اجازه مختصر و طولانی دریافت نموده و خود او دارای آثار علمی فراوان می باشد.

2- احمد مشهور به معین الدین

فرزند دیگر فیض که او نیز در فقه و حدیث متبحر و دارای تالیفاتی بوده است.

3- محمد مومن فرزند عبدالغفور(برادر فیض):

از فقیهان و مدرسان عصر خود که در یکی از شهرهای مازندران به تعلیم و تدریس طلاب و محصلان علوم دینی اشتغال داشته است.

4- شاه مرتضی دوم :

پسر برادر فیض و دو فرزند او به نامهای محمد هادی و نور الدین محمد که هر سه از فاضلان عصر خود و دارای کتاب و رساله های متعدد بوده اند.

5- ضیاء الدین محمد:

او فرزند حکیم نور الدین، دایی فیض است که عالمی حکیم و عارفی دانشمند و شاعر بوده است.

تالیفات:

تالیف مهم فیض که درعلوم مختلف نگاشته شده اشاره می کنیم :

الف) در تفسیر قرآن

1 - تفسیر صافی

2 - تفسیر اصفی

3 - تفسیر مصفی

ب) حدیث و روایت:

1- الوافی

2- الشافی

3- النوادر

4- المحجه البيضاء

5- مفاتیح الشرایع

ج) کلام و عرفان

1- اصول المعارف

2- اصول العقائد

3- رساله علم الیقین

4- رساله الحق الیقین

5- رساله عین الیقین

6- رساله الحق المبین

7- رساله البحر و الاختیار و... می باشد.

د) اخلاق و ادب

در موضوع اخلاق و ادب کتاب و رساله های متعددی به زبان فارسی و عربی نگاشته است عبارتند از:

1- ضیاء القلب

2- الف نامه

3- زاد السالك

4- شرح الصدر

5- راه صواب

6- گلزار قدس

7- آب زلال

8- دهر آشوب

9- شوق الجمال

10- شوق المهدی

11- شوق العشق

12- دیوان قصائد، غزلیات و مثنویات می باشند.

روحیات فیض:

از مطالعه و سیر در کتابها و رساله های اخلاقی، عرفانی و شرح حالهایی که به قلم خود فیض یا شاگردان و دیگر علما نوشته اند این گونه دریافت می شود که فیض به دلیل کثرت تألیفات و تصنیفات و تنوع آنها عالم و دانشمندی پرکار جامع در علوم و فنون بوده و سالهای متمادی به امر تعلیم و تعلم و افاضه اشتغال داشته است. او دارای منشی عالی و نظراتی بلند و از عناوین و القاب گریزان بوده واز به دست آوردن شهرت و قدرت با وجود امکانات خودداری می کرده است. وی گوشه گیری و انزوا را برای کسب علم باطنی و دانش و تفکر مفید. بر همه چیز ترجیح داده است.

فیض در نظر بزرگان:

درباره شخصت و آثار فیض کاشانی نظریات و دیدگاههای گوناگونی از سوی علما و بزرگان هم عصر و بعداز او ابراز شده که به نمونه هایی از آنها اشاره می شود.

محمد اردبیلی :

(آن) علامه محقق و مدقق، جلیل القدر و عظیم الشان و بلند مرتبه کامل، ادیب و متبحر در همه علوم است. شیخ حر عاملی :

محمد فرزند مرتضی مشهور به فیض کاشانی، فاضل، عالم، ماهر، حکیم، متلکم، محدث، فقیه، محقق، شاعر و ادیب بود و از نویسندگان خوب عصر ماست که دارای کتابها و نوشته های فراوانی است.

سد نعمت الله جزایری :

استاد محقق ما ملامحمد محسن فیض کاشانی صاحب کتاب الوافی و دویست کتاب و رساله دیگر می باشد. سید محمد باقر خوانساری:

بر علما و بزرگان دینی پوشیده نیست که فیض در فضل و فهم و خبره بودن در فروع و اصول دین و زیادی نوشته ها با عبارات و جملات زیبا و رسا سرآمد دیگر عالمان دین است.

محدث قمی :

... او در دانش و ادب و زیادی معلومات و دانستنیها و به کارگیری تعبیرات و عبارات نیکو در نوشته ها واحاطه کامل به علوم عقلی و نقلی مشهور است.

محدث نوری :

از مشایخ علامه مجلسی، عالم با فضل و متبحر، محدث و عارف حکیم، ملا محسن فرزند شاه مرتضی مشهور به فیض کاشانی است.

علامه امینی :

... "فیض" علمدار فقاقت و پرچمدار حدیث و گلدسته رفیع فلسفه و معدن معارف دینی و اسوه اخلاق بود.

وفات:

ملا محسن فیض کاشانی در سال 1091 هجری قمری بعد از عمری تلاش در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) دار فانی را وداع گفت.

قتل میرزا تقی خان امیر کبیر به دستور ناصرالدین شاه در سال 1230 هجری شمسی

171« میرزا تقی خان امیرکبیر» ملقب به امیرنظام سیاستمدار و صدراعظم با تدبیر و میهن پرست دوره قاجار در سال 1230 هجری شمسی بدستور ناصرالدین شاه به قتل رسید. امیرکبیر از نوجوانی در دستگاه قائم مقام رشد و تربیت یافت و بعد جزو دبیران دستگاه وزارت شد. بعد از مرگ میرزا محمد خان زنگنه امور نظامی آذربایجان بعهده امیر گذاشته شد و به سبب کفایت و شایستگی که در اجرای امور از خود نشان داد با روی کار آمدن ناصرالدین شاه لقب امیرنظام گرفت و به صدارت منصوب شد. امیرکبیر از بزرگ مردان تاریخ ایران زمین است که در مدت کوتاه صدارت خود منشأ خدمات ارزنده‌ای برای ایران بود به طوری که آثار این خدمات سالیان متمادی باقی بود. امیر در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی اصلاحات زیربنایی انجام داد و در این موارد لیاقت و میهن پرستی خود را آشکار کرد. تأسیس دارالفنون به منظور آموزش جوانان مستعد ایرانی و انتشار روزنامه و قایع اتفاقیه از جمله اقدامات مهم فرهنگی امیر بشمار می‌روند. سرانجام دشمنان داخلی امیر که سرسپرده بیگانگان بودند موجبات قتل او را فراهم آورد.

تولد احمد گلچین معانی در سال 1295 هجری شمسی

احمد گلچین معانی استاد دانشگاه، شاعر و کتاب‌شناس گرانقدر ایرانی در تهران متولد شد. گلچین معانی ابتدا به استخدام وزارت دادگستری درآمد اما بعد از 15 سال از امور قضایی کناره گرفت و در کتابخانه‌های ملی و ملک و سپس کتابخانه مجلس به کار مشغول شد. استاد گلچین معانی به سبب اشراف کامل به دنیای کتاب، همواره از منابع و مأخذ معتبر استفاده می‌کرد و بیش از 60000 بیت شعر، مقاله و رساله را در قالب 26 کتاب منتشر کرده است. از آثار استاد «#171; تذکره کاروان هند و مقالاتی چند درباره سبک شاعران عصر صفوی» را می‌توان نام برد.

درگذشت احمد اشتری متخلص به یکتا در سال 1333 هجری شمسی

احمد اشتری متخلص به یکتا هنرمند شاعر و نقاش در سال 1333 هجری شمسی بدرود حیات گفت. او از اهالی کاشان بود و در کنار مشاغل دولتی به هنرهای همچون نقاشی می‌پرداخت و در این هنر از شاگردان پرتلاش و جدی استاد کمال الملك بشمار می‌رفت. اشتری در انتشار و تأسیس مجله ارمغان نقشی بسیار مؤثر داشت و صمیمانه همکاری می‌کرد. از این رو وی را از پایه گذاران مجله ارمغان دانسته‌اند.

درگذشت گالیئو گالیله منجم و ریاضیدان ایتالیایی در سال 1642 میلادی

گالیئو گالیله منجم و ریاضیدان ایتالیایی در سال 1642 میلادی درگذشت. گالیله با تحقیقات مستمر خود نخستین دوربین نجومی را اختراع کرد و بدین ترتیب با استفاده از این دوربین دانش انسان را وسعت بخشید. گالیله همچنین دریافت که سطح ماه همواره نیست ولی چون نظریات او با آراء و عقاید بطلمیوسی که در آن زمان رواج داشت؛ چندان مشابهتی نداشت نمی‌توانست آنها را ابراز کند. گالیله به علت کشف قانون گردش زمین بدور خورشید و اختراع برخی از ابزار نجومی به روم احضار شد و دادگاه تفتیش عقاید کلیسا از او استنطاق کرد.